گام های ترجیح و انحصار احتمال تصحیف قول سید در ناصریات

- الف) تهافت قول شیخ در نقل «روی عن علی ع» در خلاف و نقل سید از ناصریات
- ب) نقل قول مصحّف ناصریات سید مرتضی از کتاب مختلف علامه توسط سید بحرالعلوم
- ج)عدم نقل دنباله عبارت ناصریات در مختلف و مصابیح عامل حذف قرینه داخلیه تهافت
- د) عدم صحت انتساب قول رویت قبل از زوال به ابوحنیفه در ناصریات
- ه) توافق کلیت متن خلاف شیخ طوسی و احتمال تلخیص شدن کتاب الخلاف سید مرتضی در آن
- و) موافقت روایت امیرالمومنین با قول مشهور در کتاب جصاص معاصر شیخ صدوق
- ز) تصحیف «المضیه» در شرح تجرید الموید بالله زیدی قبل از سید مرتضی
- ح) تعبیر «خالفنا و احتیاطا» قرینه داخلیه انحصار احتمال تصحیف
- ط) تصحیح نسخه ناصریات طبق شرح تجرید موید بالله توسط زیدیه و نگاشت مختلف الشیعه طبق آن

الف) تهافت قول شیخ در نقل «روی عن علی ع» در خلاف و نقل سید از ناصریات

خب حالا چطور شد که این احتمال را می‌گویی‌م؟ نکته این است: اولی که عبارت سید بحر العلوم در صفحه اول را خواندیم «قال الشيخ في المبسوط: «و متى رئي الهلال قبل الزوال، فهو للّيلة المستقبلة دون الماضية.»[d1] بعد فرمودند: «و قال مثل ذلك في الخلاف[d2] »[1]، دیگر عبارت خلاف را نیاورده اند. فرمودند: «قال مثل ذلک». من نمی‌دانم کتاب خلاف نزد سید بوده و همین اول مسأله را خوانده‌اند یا اصلاً نبوده و از جای دیگری نقل کرده‌اند. چون اگر خلاف نزد سید بود و اول مسأله را تا آخر حرف شیخ می‌خواندند، شیخ همان جا می‌فرماید: «روی عن علی علیه السلام»؛ قول مشهور. عینی همانی را که ایشان فرمودند سید [مرتضی] گفته: «فإنّها لا تقصر عن الرواية المرسلة»، درست نقطه مقابل همین را شیخ در خلاف دارند که: «روی عن علی صلوات الله علیه». بنابراین شما نمی‌توانید به‌عنوان اینکه سید گفته اند: «روی»، به‌عنوان تنها مویدی برای این طرف بیاورید. بلکه شیخ هم در خلاف دارند همین را می‌گویند. ایشان می‌گویند «قال مثل ذلک في الخلاف» و حال اینکه دنباله خلاف را الآن می خوانم خیلی اهمیت دارد.

---

[1] همان۱۹۶۷

[d1]??? ???
[d2]??? ???

ب) نقل قول مصحّف ناصریات سید مرتضی از کتاب مختلف علامه توسط سید بحرالعلوم

سید بحر العلوم در ادامه می‌فرمایند:

> **قال الشيخ في المبسوط: «و متى رئي الهلال قبل الزوال، فهو لليلة المستقبلة دون الماضية». و قال مثل ذلك في الخلاف.**
>
> **و قال ابن الجنيد رحمه اللّه:**
>
> **رؤية الهلال يوم ثلاثين من رمضان أيّ وقت كان، إذا لم يصحّ أنّ الليلة الماضية قد رئي فيها، لا يوجب الإفطار له، فإذا صحّت الرؤية فيها، أفطر أيّ وقت يصحّ ذلك من نهار يوم ثلاثين.**
>
> **و قال العلّامة رحمه اللّه في التذكرة:**
>
> **إذا رئي الهلال يوم الثلاثين [فهو للمستقبلة، سواء رئي] قبل الزوال أو بعده...**
>
> **و في المنتهى أنّ ذلك «مذهب أكثر علمائنا إلّا من شذّ منهم».**
>
> **و قال السيّد الأجلّ المرتضى رضي اللّه عنه في المسائل الناصريّة- لمّا ذكر قول الناصر: أنّه إذا رئي الهلال قبل الزوال فهو لليلة الماضية-: «هذا صحيح، و هو مذهبنا» و ادّعى أنّ عليّا عليه السّلام و ابن مسعود و ابن عمر و أنسا قالوا به و لا مخالف لهم.[1]**

«و قال السيّد الأجلّ المرتضى رضي اللّه عنه في المسائل الناصريّة لمّا ذكر قول الناصر»؛ احتمال قوی هست که سید بحر العلوم «قال السید فی الناصریات» را از عبارت مختلف علامه نقل می‌کنند. چون در مختلف همینطور آمده؛ «مسألة: قال السيد المرتضى في

المسائل الناصريه لما ذكر قول الناصر أنه إذا رؤي الهلال قبل الزوال فهو لليلة الماضيه: هذا صحيح وهو مذهبنا»[2]. تعبیر «لما ذکر قول الناصر» عبارت مختلف است و شروع این بحث هم از مختلف است. قبلاً اینها را بحث کرده‌ایم. کسانی که حاضر نبودند جلسه سوم و ششم را نگاه بفرمایید. خود علامه در تذکره و در منتهی اصلاً حرفی از مخالف نمی‌زنند. در قواعد که آخرین کتاب فتوایی ایشان است، خیلی محکم می‌گویند و اصلاً تردیدی ندارند. چون کتاب قواعد متنی است؛ فرمودند:

> **ولا يثبت بشهادة الواحد - على رأي -، ولا بشهادة النساء، ولا عبرة بالجدول، والعدد، وغيوبة الهلال بعد الشفق، ورؤيته يوم الثلاثين قبل الزوال، وتطوقه، وعد خمسة من الماضية**[3]

قواعد را که می‌خوانید دو بخش دارد. علامه در قواعد – که ظاهراً آخرین کتابشان است - ابتدا می‌فرمایند رؤیت هلال به شهادت و به رؤیت و به اینها ثابت می‌شود «والعبرة بالجدول والعدد و التطوق و بعد الشفق» که در ادامه می‌گویند «العبرة برويته يوم الثلاثين قبل الزوال». یعنی اعتباری به رؤیت هلال قبل از زوال در روز سی ام نیست. این تصریح ایشان است. بعد که این را می‌گویند در دو سطر بعد می‌فرمایند **«ولو ثبت هلال شوال قبل الزوال أفطر وصلى العيد، وبعده يفطر ولا صلاة**[d1] »؛ اگر بعد از زوال هلال ثابت شد، افطار کنند ونماز را برای فردا بگذارند. اینجا به این معنا نیست که «ثبت» یعنی «رئی». در اینجا «ثبت» یعنی بیّنه دیشب آمده و ما نفهمیدیم، حال قبل از زوال بیّنه می‌آید و می‌گوید من دیشب دیدم. مقصود قواعد این است.

علی ای حال تنها کتاب علامه که این مسأله سید را مطرح کرده، مختلف است. اما اینکه کتاب ناصریات سید چه زمانی به دست ایشان رسیده و در مختلف مطرح کرده‌اند، فضای بحثش هنوز باز است. که ببینیم چه زمانی بوده. این برای این احتمال و این هم تا زمان کتاب مختلف که حرف سید و ناصریات را [درست نقل نکرده.]

---

[1] همان۱۹۶۸

[2] مختلف الشيعة نویسنده : العلامة الحلي جلد : ۳ صفحه : ۴۹۳

[3] قواعد الأحكام نویسنده : العلامة الحلي جلد : ۱ صفحه : ۳۸۷

[d1]??? ???

ج)عدم نقل دنباله عبارت ناصریات در مختلف و مصابیح عامل حذف قرینه داخلیه تهافت

مهم این است: عبارتی که علامه بحر العلوم از مختلف علامه حلی در اینجا نقل فرمودهاند، مثل خود مختلف است؛ یعنی قسمت اول ناصریات مرحوم سید مرتضی آمده اما دنباله آن نیامده است. چون نیامده تا الآن در محافل علمی گفته اند: خب سید مرتضی چنین میگوید. در مختلف علامه تنها قسمت اول ناصریات سید مرتضی آمده است. اگر دنباله آن آمده بود، همین بلایی که سر من طلبه آمده بود و خدمت شما عرض کردم هم پیش میآمد و همه دنبالش میرفتند که چه شده. عبارت ناصریات در مصابیح سید، این است:

> **أنّه إذا رئي الهلال قبل الزوال فهو لليّلة المامضية-: «هذا صحيح، و هو مذهبنا» و ادّعى أنّ عليّا عليه السّلام و ابن مسعود و ابن عمر و أنسا قالوا به و لا مخالف لهم. [1]**

خب دنباله اش چیست؟ ما رفتیم دنباله عبارت ناصریات را دیدیم. با عجائبی مواجه شدیم. عبارت ناصریات قرینه داخلیه و تهافت داخلیه دارد؛ هر چه ما رفتیم و برگشتیم عبارت درست نشد. یعنی چارهای جز این نداریم که بگوییم عبارت تصحیف شده. عبارتی که در دست سید مرتضی بوده مصحّف نبوده. اما الآن میبینیم جور در نمیآید. خب عبارت ناصریات چه بود؟

> **المسألة السادسة والعشرون والمائة: " إذا رئي الهلال قبل الزوال فهو لليلة المامضية ". هذا صحيح وهو مذهبنا، وإليه ذهب أبو حنيفة، ولم يفرق بين رؤيته قبل الزوال وبعده، وهو قول محمد ومالك والشافعي. وقال أبو يوسف: إن رئي قبل الزوال فهو لليلة المامضية، وبعد الزوال لليلة المستقبلة. وقال أحمد: في آخر الشهر مثل قوله، وفي أوله مثل قول من خالفنا احتياطا للصوم. دليلنا: الاجماع المتقدم ذكره. وأيضا ما روي عن أمير المؤمنين، وابن عمر،**

> **وابن عباس، وابن مسعود، وأنس أنهم قالوا: " إذا رئي الهلال قبل الزوال فهو لليلة الماضية " والا مخالف لهم.[2]**

«إذا رئي الهلال قبل الزوال فهو لليلة الماضية»؛ یعنی امروز روز اول میشود.

«هذا صحيح وهو مذهبنا»؛ تا اینجا را نقل کرده. اما دنبالش چه؟

«وإليه ذهب أبو حنيفة، ولم يفرق بين رؤيته قبل الزوال وبعده، وهو قول محمد ومالك والشافعي. وقال أبو يوسف: إن رئي قبل الزوال فهو لليلة الماضية، وبعد الزوال لليلة المستقبلة. وقال أحمد: في آخر الشهر مثل قوله، وفي أوله مثل قول من خالفنا احتياطا للصوم. دليلنا: الاجماع المتقدم ذكره»؛ خب این عبارت چه شد؟ اوّلاً یک قرینه داخلیه دارد که تا الآن حل نشده. جلوتر هم عرض کردم. قرینه «خالفنا و احتیاطا» بود. «خالفنا و احتیاطا» با صدر عبارت تهافت غیر قابل حل دارد. حال تهافت داخلیه خیلی مهم نیست. اما چیزی که مهمتر از همه اینها است، عبارت خلاف شیخ و قرائن و اطلاعات بیرونی است؛ نه تهافت داخلیه.

---

[1] رؤيت هلال، ج۳، ص: ۱۹۶۸

[2] مسائل الناصريات ونويسنده : السيد الشريف المرتضي جلد : ۱ صفحه : ۲۹۱

د) عدم صحت انتساب قول رویت قبل از زوال به ابوحنیفه در ناصریات

آن چه که من عرض می‌کنم اگر عبارت را دیده بودند و فوری ترمز می‌زدند و تأمل می‌کردند، این است: ات سید مرتضی می‌فرمایند: «اذا رئی الهلال قبل الزوال فهو لللیلة المامضیة»، فوری می‌فرمایند: «و الیه ذهب ابوحنیفه». خب مذهب ابوحنیفه که نزد اهلسنت مبهم نیست. در طول تاریخ در دهها کتاب احدی به ابوحنیفه نسبت ندادە که «ان رئی قبل الزوال فهو لللیلة المامضیة». یعنی اگر دنباله عبارت در مختلف می‌آمد، هر کسی می‌خواند می‌گفت ابوحنیفه که قائل به این نیست. اینکه معلوم است. این اول چیزی بود که ما را به فکر انداخت چطور می‌شود.

ه) توافق کلیت متن خلاف شیخ طوسی و احتمال تلخیص شدن کتاب الخلاف سید مرتضی در آن

اذعان شیخ طوسی در الخلاف به رویت قبل الزوال للیلة القابلة شاهدی بر وجود نسخه اصلی ناصریات نزد سید مرتضی

مهمتر اینکه مرحوم سید مرتضی کتابی به نام الخلاف دارند، مثل کتاب الخلاف شاگردشان شیخ بسیار مفصل است. از این الخلاف ایشان هم مکرر نقل میکنند. من حتی احتمال دادم همینطور که سید در علم کلام کتاب الشافی دارند که خیلی مفصل است و شاگردشان شیخ الطائفه تلخیص الشافی نوشتند، این احتمال دور نیست که چون الخلاف استادشان خیلی مفصل بوده، الخلاف شیخ تلخیص آن باشد. خب اگر اینطور باشد که الخلاف ها مثل هم باشند، عبارات خلاف را میخوانم.

شاگرد: الخلاف سید را میخوانید؟

استاد: نه، الخلاف شیخ. الخلاف سید در دستها نیست متاسفانه. الخلاف شیخ الطائفه، جلد دوم، صفحه صد و هفتاد و یک. ببینید چقدر با عبارتی که ایشان میگویند از حیث کلی متن توافق دارد، البته به استثنای مواردیکه بحث میکنیم. شیخ فرمودهاند:

> **إذا رأى الهلال قبل الزوال أو بعده فهو لليلة المستقبلة دون الماضية. و به قال جميع الفقهاء. ذهب قوم من أصحابنا إلى أنه ان راي قبل الزوال فهو لليلة الماضية و ان راي بعده فهو لليلة**

> **المستقبلة. و به قال أبو يوسف. وقال أحمد: في آخر الشهر مثل قوله، وفي أوله مثل قول من خالفنا احتياطا للصوم.**
>
> **دليلنا: الأخبار التي رويناها في الكتاب المقدم ذكره، و بيان القول في الرواية الشاذة.**
>
> **و أيضا قول النبي (صلى الله عليه و آله): «إذا رأيتم الهلال فصوموا و إذا رأيتموه فأفطروا» و هذا رآه بالنهار، فينبغي أن يكون صومه و فطره من الغد، لأنه إن صام ذلك اليوم فيكون قد صام قبل رؤية الهلال.**
>
> **و أيضا روي ذلك عن علي (عليه السلام) و عمر، و ابن عمر، و أنس و قالوا كلهم: لليلة القابلة، و لا مخالف لهم يدل على أنه إجماع الصحابة[1]**

«إذا رأى الهلال قبل الزوال أو بعده فهو لليلة المستقبلة دون الماضية»؛ اگر روز هلال را دیدی برای شب بعد است. امروز روز سیام می‌شود. **«و به قال جميع الفقهاء»**؛ یعنی ابوحنیفه، شافعی و مالک.

«ذهب قوم من أصحابنا إلى أنه ان راي قبل الزوال فهو لليلة الماضية و ان راي بعده فهو لليلة المستقبلة. و به قال أبو يوسف»؛ ابویوسف که شاگرد ابوحنیفه است، معلوم است که از استادش فاصله گرفته است. اما محمد شیبانی همراه ابوحنیفه بوده که همان قول مشهور را دارد. ایشان اصلاً سفیان ثوری را جزء فقها ذکر نکرده‌اند. شاگرد ابوحنیفه به‌عنوان فقیه مفتی ابویوسف بوده است.

«دليلنا: الأخبار»؛ اشاره به تهذیب می‌کنند. ما این بحث را در تهذیب انجام دادیم. **«و أيضا قول النبي»؛** روایت را می‌آورند.

«و أيضا روي ذلك عن علي (عليه السلام)»؛ دیدی! همان «روی ذلک» که سید فرمود اینجا در خلاف هم «روی ذلک» دارد. یعنی دلیل ما بر اینکه [رؤیت قبل از زوال] کافی نیست. **«و عمر، و ابن عمر، و أنس و قالوا كلهم: لليلة القابلة»؛** همه اینها گفته اند که برای لیلة قابله است. نه ماضیة. **«و لا مخالف لهم»؛** مخالفی هم ندارند. **«يدل على أنه إجماع الصحابة».**

سید در ناصریات دنباله اش را به این صورت گفته اند: «دليلنا: الاجماع المتقدم ذكره»؛ که همان مذهبان است. بعد می‌فرمایند: «وأيضا ما روي عن أمير المؤمنين عليه السلام، وابن عمر، وابن عباس، وابن مسعود، وأنس أنهم قالوا: " إذا رئي الهلال قبل الزوال فهو لليلة الماضية " ولا مخالف لهم»؛ تعبیر «ولامخالف لهم» در عبارت شیخ هم بود. اینها نقطه مقابل هم بود. خب حالا کدام یک از اینها جور در می‌آید؟ خلاف شیخ که می‌گویند: اجماع صحابه، لا مخالف لهم؟ یا عبارت ناصریات که «لا مخالف لهم»؟ مخصوصاً اگر خلاف شیخ ناظر به خلاف سید مرتضی باشد. خب وقتی اطلاعات بیرونی را نگاه می‌کنیم تردیدی نداریم که مذهب شافعی و مالک و ابوحنیفه مذهب مشهور است. می‌گوید اگر قبل از زوال هم دیدی فایده‌ای ندارد و برای دیشب نیست. امروز سی ام است. این برای «الیلة القابلة» است.

احتمالی که ما دادیم همین بود که کلمه «قابله»ای که در خلاف شیخ آمده، همین کلمه «القابله» در کتاب اصل ناصریات ناصر هم بوده. همین کلمه «القابله» در دست سید مرتضی هم آمده و شرح

کرده است. اصل کتاب ناصر به دست موید باللّه زیدی رسیده. اما نسخه طوری بوده که ایشان «قابله» را «مامیه» دیده. خیلی هم نزدیک هم هستند. «للیلة القابلة» بوده اما ایشان «للیلة المامیة» دیده است. «قابلة» شب بعد میشود و «مامیة» شب قبل میشود. در کتاب شرح تجرید موید باللّه زیدی به ناصر «للیلة المامیة» را نسبت داده است. و حال آنکه ناصر «للیلةالقابلة» نوشته بود. همان نسخه هم در دست سید بوده. در این فاصله زیدیه آمدهاند ناصریات سید مرتضی را استنساخ کردهاند. وقتی استنساخ میکردند «القابله» در اینجا را به «المامیه»ای تبدیل کردند که در نسخه موید باللّه بود. این نسخه مصحح زیدیه به دست علامه حلی رسیده است. لذا در کتاب المختلف میگوید «قال السید فی الناصریات ... للمامیة». و حال آنکه نسخه ناصریات سید در دست خود سید «القابلة» بوده.

حال برگردیم و «قابلة» را بگذاریم. میبینیم همه چیز صاف است و هیچ مشکلی ندارد. سید در ناصریات میفرمایند:

«إذا رئي الهلال قبل الزوال فهو لليلة القابلة. هذا صحيح وهو مذهبنا»؛ عین خلاف شیخ الطائفه میشود. «**وإليه ذهب أبو حنيفة**»؛ خیلی واضح است. مطلب ابوحنیفه واضح است و مشکلی ندارد. **«ولم يفرق بين رؤيته قبل الزوال وبعده»؛** ما مفصل از این عبارت بحث کردیم.

«وهو قول محمد»؛ محمد شیبانی. ابوحنیفه دو شاگرد مهم دارد که یکی از آنها قول استادش را دارد. **«و مالك والشافعي»؛** لذا شیخ در خلاف فرمودند «به قال جمیع الفقهاء». شیخ احمد بن حنبل را جزو فقها نمیدانند. در کتاب خلاف که برای تمام مسلمین را میآورند، میفرمایند «قال جمیع الفقهاء». خیلی صاف و روشن است.

---

[1] الخلاف نویسنده : الشیخ الطوسي جلد : ۲ صفحه : ۱۷۱

و) موافقت روایت امیرالمومنین با قول مشهور در کتاب جصاص معاصر شیخ صدوق

ات یادم نرفته این را هم عرض کنم؛ ابوبکر جصاص در سال سیصد و هفتاد وفات کرده. قبل از سید مرتضی است و معاصر شیخ صدوق است. احکام القرآن دارد. در جامع التفاسیر کتابش معروف است. در آن جا از حضرت امام علی علیه‌السلام همین قول مشهوری که شیخ در خلاف دارند را نقل می‌کند. یعنی آن «روی» سید که گفته اند را ابوبکر جصاص به امیرالمؤمنین نسبت می‌دهد. برخلاف الموسوعة الفقهیة که گفت «عن علی التفریق بین الرویة قبل الزوال». اما من در نقل های اهلسنت ندیدم؛ در روایات مسند و کتب روائی اهلسنت کجا داریم که آنها به امیرالمؤمنین نسبت داده باشند «ان رئی قبل الزوال فهو للیلة الماضیة»؟! ابوبکر جصاص در احکام القرآن برعکس می‌گوید. موافق خلاف شیخ می‌گوید. نه موافق ظاهر ناصریات. اگر در ناصریات تصحیف شده باشد، باز موافق همه خواهد شد. روایتی که از حضرت نقل شده تنها همین مضمون می‌شود.

«وقال أبو يوسف»؛ سید مرتضی حال به سراغ قول مخالف می‌روند. قول ابویوسف چه بود؟ قول او متن همین ناصریات است! یعنی چه؟ **«إن رئي قبل الزوال فهو لليلة الماضية، وبعد الزوال لليلة المستقبلة»؛** خب اینکه همین متن ناصر شد! چطور شما می‌خواهید او را به‌عنوان مخالف بیاورید؟! لذا این قرینه به همراه اطلاعات بیرونی برای ما تردیدی نگذاشت در اینکه اینجا تصحیف شده است. همان عبارت خلاف «للیلة القابلة» بوده؛ این در عبارت ناصر هم بوده.

ز) تصحیف «الماضیه» در شرح تجرید الموید باللّه زیدی قبل از سید مرتضی

چرا جلسه سوم و ششم را گفتم؟ برای این بود که در جلسه سوم هنوز قول موید باللّه زیدی را نمی‌دانستیم. من مطالب را گفتم و صاف جلو رفتیم و سر رسید. آقایان آمدند و لطف کردند نقل‌هایی از زیدیه برای قرن هشتم را آوردند؛ بحر زخار و اینها بود. عرض کردم آنها هیچ مشکلی ندارد. کتب زیدیه قبل از اینها از مختلف علامه گرفته‌اند. آنها هیچ مشکلی نداشت چون از نظر تاریخی متأخر بودند. چیزی که کار را مشکل کرد، کتاب شرح تجرید موید باللّه زیدی بود که قبل از سید مرتضی بود. در آن جا به ناصر «للیلة الماضیة» را نسبت داده بود. لذا فعلاً تنها احتمالی که داریم همین است. چون نُسَخ کتاب ناصر در شمال ایران نبوده و در بغداد بوده، یکی استنساخ شده‌ای از آن و حتی شاید استنساخ شده هایش هم نبوده، چون تحقیق آن هنوز مانده. چون موید باللّه در شرح تجرید مکرر در مکرر می‌گوید قال القاسم، قال الامام الهادی ِخودشان در فلان کتابش. اما هر کجا اسمی از ناصر می‌برد و قول او را می‌گوید، نمی‌گوید در فلان کتابش است. یعنی هنوز برای ما معلوم نشده که کتاب‌های ناصر در دست او بوده ای نه. تا جایی که ما گشتیم به این صورت بود. اگر فایل متنی پیدا شود خیلی خوب است. آن زمان فایل متنی نداشتیم که سریع بگردیم. ظاهراً هنوز هم نباشد.

علی ای حال تنها چیزی که به ذهن ما آمد، این بود که متن خوب و صحیح نزد سید مرتضی بوده، سید هم به متن ناصر نگاه کرده‌اند. لذا فوری بعد از آن می‌گوید: «قال ابوی‌وسف». یعنی مقابل قول ناصر قول او را می‌گوید. و الاّ قول ابوی‌وسف که عین قول ناصر است! خب قبلش می‌گوید «الیه ذهب ابوحنیفه»، بعد بگوید «قال ابوی‌وسف»؟! معنا ندارد. اینها احتمالاتی بود که در مباحثه بحث کردیم. در ادامه به قرینه‌ای رسیدیم که دیگر تردید را تمام کرد. کلمه «خالفنا» و «احتیاطا» بود. دنباله اش را ببینید:

اهمیت تاریخ مذاهب اربعه اهل سنت

«وقال أحمد: في آخر الشهر مثل قوله»؛ عباراتی که سید در اینجا می‌آورند اگر در الخلاف سید هم باشند، تلخیص شیخ الطائفه برای ما خیلی روشن می‌شود. شیخ اینها را دیگر حذف کرده‌اند. یعنی چون خلاف شیخ الطائفه متمحض در فقها بوده، حرف احمد را نیاورده اند. سید در اینجا گفته بودند که احمد دو قول دارد. شیخ گفته اند ما دیگر کاری با احمد نداریم. لذا می‌گوید: «و به قال جمیع الفقها». او را جزء محدثین حساب کرده.

نمی‌دانم تاریخ مذاهب اربعه را ملاحظه کرده ای نه. حنبلی ها به‌عنوان مذهب چهارم بعدها ملحق شدند. مدت زیادی طاهریه بودند. تاریخ مذاهب اربعه تاریخ مهمی است. حنبلی ها به نظرم در قرن هفتم بودند. نمی‌دانم در فدکیه آمده ای نه. ولی جالب است. تاریخ خود مذاهب اربعه خیلی روشن نیست و وضوح تاریخی ندارد.

چندبار دیگر [این خاطره را]عرض کرده ام؛ در مسجد الحرام سه-چهار نفر از علماء بودند. مرحوم حاج آقای محفوظی، مرحوم حاج آقای قره‌ی مُحرم بودند. عمامه نداشتند. ولی خب پیرمردهایی [نورانی] بودند. یک آقایی آمد. قد بلندی هم داشت. خیلی جذب قیافه این چند پیرمرده شد. نزدیک آمد و سلام گرمی کرد. خیلی خوشش آمده بود. بعد گفت شما اهل کجا هستید؟ یکی از آن‌ها جواب داد که ما از ایران هستیم. مرحوم آقای قره‌ی اضافه کردند «جعفریه»! می‌خواستند بگویند: ما جعفری هستیم. همین که ایشان جعفریه را گفتند یک نگاه کرد و بعد گفت: «کل العالم ارب مذاهب»؛ یعنی این چه مذهبی است که شما می‌گویید و من تا به حال نشنیده ام؟! کل العالم ارب مذاهب؟! حنبلی را ببینید چه زمانی آمده. قبلش طاهریه بودند. این حزم که از مفتین بزرگ منطقه غرب آندلس بود ظاهری است. نه حنفی است و نه مالکی است و نه شافعی است.

ح) تعبیر «خالفنا و احتیاطا» قرینه داخلیه انحصار احتمال تصحیف

خب عبارت را ببینید. میفرمایند ابویوسف این را گفته. حالا احمد چه کار کرده؟

«وقال أحمد: في آخر الشهر مثل قوله»؛ مشکلی که بود ما «قوله» را به ابویوسف میزدیم. و حال آنکه با وجود تعبیر «خالفنا و احتیاطا» ممکن نبود به ابویوسف بخورد. و لذا در مباحثه از یکی از کتابها نقل کردیم که ایشان گفته بودند «قوله» تصحیف شده و باید «قولنا» باشد. و حال آنکه تصحیف نیست. «قوله» یعنی قول مصنف، نه قول ابویوسف. «قال احمد في آخر الشهر مثل قول المصنف» که ناصری است و میگوید «ان رئی قبل الزوال فهو لليلة القابلة». همین حرف ما شد.

خب احمد میگوید اگر در آخر ماه قبل از زوال دیدید، «لليلة القابلة». یعنی امروز سی ام ماه است. «و في أوله مثل قول من خالفنا»؛ اگر قبل از زوال دیدیم و گفتیم امروز اول ماه است که دیگر قول مخالفین نبود. خالفنا یعنی قول ابویوسف که اگر قبل از زوال دیدید امروز روز اول است. چرا احمد این را گفت؟ «احتياطا للصوم»؛ احمد کاری کرده که اول ماه و آخر ماه بهخاطر احتیاط، هیچ صومی از مسلمانی فوت نشود. اگر قبل از زوال در آخر ماه دیدیم، «لليلة القابلة»؛ یعنی روز سی ام است و باید روزه بگیریم. اگر اول ماه قبل از زوال دیدیم، نگویید سی ام شعبان است. بلکه بگویید اول ماه مبارک است و روزه را بگیرید؛ احتیاطا للصوم.

یعنی «خالفنا» دقیقاً میگوید ما نگفتیم «لليلة المامضية» و الاّ حرف درست در نمی آمد. لذا کلمه «خالفنا و احتیاطا» گویا قرینه داخلیه ناصه بود. تردیدی نمی گذاشت که در عبارت ناصریاتی که در دست سید بوده کلمه «مامضية» نبوده. همان کلمه «قابلة»ای بوده که شاگرد ایشان هم در کتاب خلاف آوردهاند.

ط) تصحیح نسخه ناصریات طبق شرح تجرید موید بالله توسط زیدیه و نگاشت مختلف الشیعه طبق آن

خب پس موید بالله زیدی چطور قبل از سید این متن ناصریات را به ناصر نسبت داده؟ تنها احتمالی که داریم این است که نسخه ای که در دست موید بوده مصحّف بوده و بعداً زیدیه نسخه شرح ناصریات سید مرتضی را طبق متن موید تصحیح کرده اند. آن تصحیح ناصریات زیدیه زیر دست علامه حلی آمده است. دم و دستگاه مختلف به پا شده. اگر خود علامه در مختلف دنباله عبارت سید را آورده بودند اصلاً مختلف به پا نمی‌شد. چون در عبارت ناصر فوری آمده: «و قال به ابوحنیفه». احدی احتمال نمی‌دهد که ابوحنیفه گفته باشد که قبل از زوال مجزی است. لذا تنها احتمالی که ما دادیم همین است. اگر احتمال دیگری به ذهن شما آمد بفرمایید ای در ذیل صفحه ارسال کنید.

این حاصل عرض من است که به گمانم از مشکلترین موارد فقه تتبعی باشد. چرا؟ به‌خاطر اینکه قرنها در کتب فقهی میخش کوبیده شده که سید مرتضی می‌گویند «ان رئی قبل الزوال فهو للیلة الماضیة». الآن هم سید بحر العلوم می‌گویند «ادعی علیه الاجماع». می‌گوییم: شیخ اجماع گفته اند! می‌گویند: سید هم اجماع می‌گویند. می‌گوییم: «روی عن علی علیه‌السلام» داریم! ایشان هم می‌گویند: سید هم گفته: «روی عن علی». دیدی که در کلام حاج آقا بود که فرموده بودند: سید در یک جا دیگر عدول کرده‌اند. ما گشتیم اما عدول نکرده‌اند. در رسائل شریف مرتضی سید همین را می‌گویند؛ «ان رئی قبل الزوال فهو للیلة المستقبلة». این عدول نیست. گفتند صاحب جواهر به سید نسبت داده که عدول کرده است. اما هر چه در جواهر گشتیم نبود. این را در مباحثه دوم و سوم عرض کردم.

نقل دیگری از سید در المسائل المیافارقیات که شهری در سیلوان ترکیه است؛ از آن جا برای سید مرتضی نامه آمده بود و جواب دادند. همین قول مشهور را می‌گویند. اصلاً هم اشاره‌ای به خلاف نمی‌کنند. مهمتر اینکه شیخ الطائفه می‌گویند «روایة شاذة». از این مهمتر علامه در تذکره و متنهی در یکی اصلاً اسمی از مخالفین نمی برند و می‌گویند: همه شیعه این را می‌گویند. در یکی می‌گویند: شاذی از اصحابنا رؤیت قبل از زوال را گفته اند، اما می‌گویند «لم نعرفها». اگر سید بود، چطور «لم نعرفها» می‌گویند؟! این را بحث کردیم. معلوم می‌شود زمانیکه ایشان «شاذ» و «لم

نعرفها» را گفتن این به‌عنوان انصرایات سید نبوده و الّا نمی گفتند «لم نعرفها». لذا در ذهن قوی می‌شود که مختلف الشیعه که بعد از مدتی و تذکره نوشته شده، نسخه ای از انصرایات سید که توسط زیدیه تصحیح شده به دست علامه رسیده، و مختلف الشیعه را بعداً طبق آن نوشته و به‌عنوان انتساب به سید نقل کرده‌اند. آن هم نسخه ای بوده که تصحیح زیدیه بوده.

شاگرد: در مختلف اصلاً ذکری از ابوحنیفه نمی‌شود.

استاد: من هم همین را عرض می‌کنم. ببینید علامه دو کتاب دارند؛ در دو کتاب تذکرة الفقهاء و مدتی المطلب مفصل اختلافات با عامه را می‌آورند. شیخ هم که خلاف را نوشته اند. چون این فقهای بزرگ اینها را کامل کرده بودند، بعد علامه کتابی که جایش خالی بود را نوشتند؛ مختلف الشیعه. یعنی در مختلف الشیعه کاری با ابوحنیفه و شافعی ندارید. لذا معظم نقل هایی که از این جنید است، ماخذش مختلف الشیعه است. شاید در تذکره از این جنید خیلی کم باشد اما مهمترین ماخذ برای قول این جنید مختلف الشیعه است. لذا چون مختلف الشیعه بوده کاری با ابوحنیفه نداشتند. علامه هم چون مختلف الشیعه بوده، همینجا بحث کرده‌اند. فرمودند سید فرموده «هو صحیح و هو مذهبنا». دنبالش را نمیدانم چه شده. بقیه اش را نیاورده اند. کتاب مختلف ماخذ کتبی فقهی بعد از ایشان شده و همه متاسلم علیه به سید مرتضی نسبت داده‌اند که ایشان می‌گوید «این رئی قبل الزوال فهو للیلة المامضیة».

شاگرد: پس سید بحر العلوم انصرایات را ندیده بود و از مختلف نقل می‌کند؟

استاد: ظاهرش اینطور است. چون عبارت این بود: «لمّا ذکر قول الناصر». لذا این احتمال هست. حتی احتمال میدهم که سید خلاف را هم ندیده باشند. یا اگر دیده‌اند نظر شریفشان را به صدر مسأله انداخته‌اند و بعد این را نوشته اند. چون اگر میدیدند که دنبالش می‌گوید «روی عن علی علیه‌السلام ... و اجماع الصحابه». خب اگر این بود که نمی گفتند: سید مرتضی یک کلمه گفته «فانها لاتقصر عن الروایة المرسلة». خب آن هم بود. بنابراین از مجموع این حرفها بر می‌آید که الصلاً سید مرتضی در مانحن فیه قائل به رویت قبل از زوال نبوده اند. لذا فعلاً این احتمال منحصر است که حرف ناصر به‌صورت مصحّف زیر دست مویدبالله آمده و ایشان هم در شرح تجریدش به ناصر نسبت داده است.

شاگرد۲: کتاب مصابیحی که دارم تحقیق شده. ذیل همین عبارت «و الیه ذهب ابوحنیفه»، چهار-پنج آدرس داده است. در آخرش نوشته «و فی المصادر فی اللیلة المستقبلة». یعنی تمامی مصادری که دارند این بیان را نقل می‌کنند... .

استاد: معلوم است. یعنی سید دارند چیزی را به کسانی نسبت میدهند که الصلاً احتمال این نیست که برای اینها باشد. ایشان هم می‌گوید در مصادر به جای «المامضیة»، «المستقلة» هست. چقدر روشن است که در اینجا یک چیزی شده است. بعد سید فوری بگویند «و ذهب ابویوسف». خب اگر کسی حرف ابویوسف را ببیند می‌بیند عین متن او است! یعنی چه «ذهب الیه ابویوسف»؟! اما شیخ در خلاف فرمودند: «فی اللیلة المستقبلة»، بعد فرمودند ابویوسف خلاف این را گفته است. کاملاً روشن است.

شاگرد: تعبیر «لم یفرق بین رویته قبل الزوال و بعده» خیلی صراحت دارد که باید «قابله» باشد.

استاد: بله، و الا «و لم یفرّق» خلاف صریح آن متن می‌شود. اما اگر «قابله» باشد اینطور نیست.

والحمد لله رب العالمين